

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرین چیزها

جلسه ۱۰، احکام کلیسا، حکومت کلیسا، آموزه‌های اصلی درباره کلیسا

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد اصول کلیسا و آخرین چیزها هستم. این جلسه دهم احکام کلیسا، حکومت کلیسا، آموزه‌های اصلی در مورد کلیسا و خدمت کلیسا است.

ما مطالعات خود را در مورد اصول کلیسا با صحبت در مورد احکام یا مقدسات کلیسا ادامه می‌دهیم.

عیسی، پروردگار ما، دو آیین به عنوان کلیسا به ما عطا کرده است، غسل تعمید و شام خداوند. خداوند به هر پنج حس ما خدمت می‌کند. کلام به گوش‌ها و چشمان ما خطاب می‌کند و خداوند کلام گفتاری و نوشتاری را با لامسه، چشایی و بویایی تقویت می‌کند.

اسرائیل جشن سالانه و سیستم قربانی خود را داشت. عهد جدید، انجیل را در قالب احکام یا نشانه‌های مقدس یا آیین‌های غسل تعمید و شام خداوند به تصویر کشیده است. کلمه احکام تأکید می‌کند که خداوند عیسی به کلیسا دستور می‌دهد هر دو عمل را رعایت کند.

خداوند انجیل را در غسل تعمید به ما موعظه می‌کند، اعمال رسولان ۲:۳۸، و شام خداوند، اول قرن‌تین، غسل تعمید. یحیی تعمید دهنده، غسل تعمید و توبه را برای آمادگی برای مسیح موعظه می‌کند. ۱۱:۲۶ مرقس ۱:۴. هم عیسی و هم یحیی از تعمید با روح القدس که قرار است بیاید صحبت می‌کنند، و این در واقع در پنطیکاست آمد، لوقا ۳:۱۶، اعمال رسولان ۴:۱-۵. عیسی غسل تعمید را به عنوان بخشی از شاگرد بودن، و شاگردسازی تعلیم می‌دهد، همانطور که در متی ۲۸:۱۸-۲۰ دیدیم. پولس تعلیم می‌دهد که غسل تعمید کسی را با مرگ و قیام مسیح یکی می‌کند، رومیان ۶:۳-۴. او تعلیم می‌دهد که غسل تعمید مسیحی نماد اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیز اوست. برخی از کلیساها به اشتباه معتقدند که مردم برای نجات باید غسل تعمید بگیرند.

این موضوع در مورد کلیساهایی که غسل تعمید نوزادان را آموزش می‌دهند و برخی از کلیساهایی که به مؤمنان غسل تعمید می‌دهند، صادق است. برای غسل تعمید نوزادان، هم کلیساهای کاتولیک رومی و هم کلیساهای لوتری، غسل تعمید یا تجدید حیات نوزادان را آموزش می‌دهند. کلیساهای موسوم به جنبش احیا، مانند کلیساهای مسیح و کلیساهای مسیحی و شاگردان مسیح، اغلب تعلیم می‌دهند که غسل تعمید مؤمنان برای رستگاری ضروری است.

اما از نظر پولس، موعظه انجیل بر عمل تعمید اولویت دارد. اول قرن‌تین ۱:۱۷، مسیح مرا نفرستاد تا تعمید دهم، بلکه تا انجیل را موعظه کنم. در این زمینه، پولس می‌گوید، خدا را شکر می‌کنم که هیچ یک از شما را تعمید ندادم.

سپس به یاد زوجی افتاد که غسل تعمید داده بود. من نمی‌توانم تصور کنم که پولس گفته باشد، خدا را شکر که انجیل را به هیچ یک از شما موعظه نکردم. این غیرقابل درک است.

این غیرممکن است. آیا من می‌گویم غسل تعمید مهم نیست؟ نه، من فکر می‌کنم غسل تعمید مهم است. در واقع فکر می‌کنم یک آیین مقدس است. اما به طور خودکار نجات‌بخش نیست.

دیدگاه‌ها در مورد غسل تعمید. کلیساها دیدگاه‌های متفاوتی در مورد غسل تعمید مسیحی دارند.

ما دیدگاه‌های کاتولیک رومی، لوتری، اصلاح‌شده و بپتیست را بررسی خواهیم کرد. کاتولیک رومی، نوزادان و بزرگسالانی را که غسل تعمید نگرفته‌اند، غسل تعمید می‌دهد. طبق کتاب اصول عقاید کلیسای کاتولیک رومی بخش ۱۲.۱۳. اگر کتاب اصول عقاید کلیسای کاتولیک رومی را ندارید، باید آن را تهیه کنید. این کتاب یک کتاب جیبی ارزان قیمت است. رسمی است. دارای مجوز رسمی است.

رسماً به عنوان یک ابزار آموزشی جهانی کلیسا شناخته شده است. به میلیاردها زبان ترجمه شده است. همه جا هست.

رسمیه. به انگلیسی ساده‌ست. به یکی نیاز داری.

شما می‌توانید به دوستان کاتولیک رومی خود کمک کنید تا آنچه را که باور دارند، درک کنند. طبق کاتشیزم بخش ۱۲.۱۳، نقل قول از طریق غسل تعمید، ما از گناه آزاد می‌شویم و به عنوان پسران خدا دوباره متولد می‌شویم. ما عضو مسیح می‌شویم، در کلیسا ادغام می‌شویم و در مأموریت او شریک می‌شویم.

نقل، LCMS، غسل تعمید، آیین احیا از طریق آب در کلام است. طبق وبسایت کلیسای لوتری میسوری قول، لوترانیسم معتقد است که غسل تعمید وسیله‌ای معجزه‌آسا برای فیض است. دیگری کلام خداست که نوشته یا گفته می‌شود و از طریق آن خداوند موهبت ایمان را در قلب فرد ایجاد و تقویت می‌کند.

اگرچه ما ادعا نمی‌کنیم که کاملاً می‌دانیم چگونه این اتفاق می‌افتد، اما معتقدیم که وقتی نوزادی غسل تعمید می‌گیرد، خداوند ایمان را در قلب آن نوزاد ایجاد می‌کند. ما به این باور داریم زیرا کتاب مقدس می‌گوید نوزادان می‌توانند ایمان بیاورند. متی ۱۸:۶ و اینکه تولد تازه و تجدید حیات در غسل تعمید اتفاق می‌افتد.

یوحنا ۳: ۵-۷، تیطوس ۳: ۵-۶. لوتری‌ها معتقد نیستند که فقط کسانی که در نوزادی تعمید می‌گیرند ایمان می‌آورند. ایمان همچنین می‌تواند توسط قدرت روح القدس که از طریق کلام مکتوب یا شفاهی خدا عمل می‌کند، در قلب فرد ایجاد شود. کلیسای لوتری معتقد نیست که غسل تعمید کاملاً با حروف بزرگ و برای نجات ضروری است.

نمی‌توانم بدون اظهار نظر از کنار این چیزها بگذرم. من با کلیسای روم مخالفم که می‌گوید غسل تعمید باعث تولد دوباره می‌شود. من با برادران و خواهران لوتری‌ام که به عنوان مسیحیان اصلاح طلب می‌پذیرند که نوزادان ایمان دارند، مخالفم.

من نوزادان را به خاطر ایمانشان یا اینکه غسل تعمید نجات بخش است، غسل تعمید نمی‌دهم. با احترام مخالفم. مسیحیت اصلاح شده.

طبق فصل ۲۸ اعتراف‌نامه ایمان وست‌مینستر، دیدگاه اصلاح‌شده در مورد غسل تعمید این است. غسل تعمید یکی از آیین‌های عهد جدید است که توسط عیسی مسیح مقرر شده است، نه تنها برای پذیرش رسمی فرد تعمید یافته به کلیسای مرئی، بلکه برای او نشانه و مهری از پیمان فیض، پیوند او به مسیح، تجدید حیات، بخشش گناهان و تسلیم او به خدا از طریق عیسی مسیح برای گام برداشتن در تازگی زندگی است. این نمی‌گوید که غسل تعمید نجات می‌دهد، بلکه می‌گوید که یک نشانه و مهر است.

زبان کتاب مقدس از رومیان ۴. کدام آیین مقدس، به دستور خود مسیح، باید تا پایان جهان در کلیسای او ادامه یابد. نه تنها کسانی که واقعاً به مسیح ایمان و اطاعت دارند، بلکه نوزادان یک یا هر دو والدین مؤمن نیز باید تعمید بگیرند. اگرچه محکوم کردن یا نادیده گرفتن این آیین گناه بزرگی است، اما فیض و رستگاری آنقدر به هم پیوسته و به آن پیوسته نیستند که هیچ شخصی بدون آن نتواند احیا یا نجات یابد یا اینکه همه کسانی که تعمید می‌گیرند بدون شک احیا می‌شوند.

زبان نشانه و مهر از رومیان ۴ آمده است، جایی که می‌خوانیم ابراهیم نشان ختنه را دریافت کرد، مهری بر پارسایی که از طریق ایمان حاصل می‌شود. رومیان ۱۱: ۴. معنای نشانه، نماد است. این مفهوم بسیار به ایده باپتیست‌ها نزدیک است.

یعنی، ختنه نماد پاکی بود که با بریدن پوست ختنه‌گاه در ریشه تکثیر نسل انجام می‌شد. ختنه معنوی، پاکی قلب است. ختنه نه تنها یک نشانه بود، بلکه یک مهر و موم نیز بود.

این وعده خداست که آنچه را که نشانه دلالت می‌کند، انجام دهد. عهد جدید هیچ جا به صراحت این را نمی‌گوید، اما اگر ختنه نشانه و مهر فیض در عهد عتیق بود، پس غسل تعمید مسیحی و شام خداوند نشانه و مهر فیض خدا در عهد جدید هستند. یعنی، غسل تعمید مسیحی مطمئناً نماد تطهیر است.

در اعمال رسولان ۲۲، حنانیا به شائول، که بعدها پولس شد، گفت که غسل تعمید بگیر و گناهانت را بشوی. آیا او می‌گوید که خود مراسم آن را انجام می‌دهد؟ نه، اما او می‌گوید که این نماد، نشانه‌ای از تطهیر است. شام خداوند مطمئناً نشانه‌ای از مشارکت در مسیح است.

اول قرن‌های ۱۰. آیا پیاله ای که ما متبرک می‌کنیم، مشارکت در خون مسیح نیست؟ آیا نانی که پاره می‌کنیم، مشارکت در بدن مسیح نیست؟ هم غسل تعمید و هم شام خداوند، مهر و موم هستند. خدا قول می‌دهد. آنچه را که غسل تعمید نشان می‌دهد، انجام دهد.

او وعده می‌دهد که در شام خداوند، شخص را واقعاً به مسیح ملحق کند و او را پاک سازد، گناهانش را بردارد و گناهانش را ببخشد. هر بار که این نان را می‌خورید و این جام را می‌نوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که او بیاید. در شام خداوند، خداوند قول می‌دهد که ما را به مسیح ملحق کند یا اینکه قبلاً ما را به مسیح ملحق کرده است، و او این را نمادپردازی می‌کند، و قول می‌دهد آنچه را که این آیین نشان می‌دهد یا نماد آن است، انجام دهد.

دیدگاه باپتیست‌ها در مورد غسل تعمید مسیحی در کتاب «ایمان و پیام باپتیست» سال ۲۰۰۰، ماده ۷ آمده است. غسل تعمید مسیحی، فرو رفتن یک مؤمن در آب، به نام پدر، پسر و روح القدس است. این عملی از اطاعت است که نماد ایمان مؤمن به یک ناجی مصلوب، دفن شده و برخاسته از مرگ، مرگ مؤمن نسبت به گناه، دفن زندگی قدیمی و رستخیز برای گام برداشتن در تازگی زندگی در مسیح عیسی است. این گواهی بر ایمان او به رستخیز نهایی مردگان است.

از آنجایی که این یک آیین کلیسایی است، پیش‌نیاز امتیازات عضویت در کلیسا و عشای ربانی است. مقایسه‌ای کوتاه لازم است. ما وقت نداریم که به تمام جزئیات این موضوع بپردازیم، اما کاتولیک رومی و لوتری معتقدند که غسل تعمید، تعمیدگیرندگان را از نو متولد می‌کند، در حالی که کلیساهای اصلاح‌شده و باپتیست چنین نظری ندارند.

کلیساهای کاتولیک رومی، لوتری و اصلاح‌شده نوزادان و بزرگسالان را غسل تعمید می‌دهند، در حالی که باپتیست‌ها فقط مؤمنان را غسل تعمید می‌دهند. کلیساهای کاتولیک رومی، لوتری و اصلاح‌شده غسل تعمید

با پاشیدن، ریختن یا غوطه‌وری را مجاز می‌دانند که به ندرت انجام می‌شود، در حالی که بابتیست‌ها فقط با غوطه‌وری غسل تعمید می‌دهند. عشای ربانی

عیسی به کلیسای خود فرمان دیگری داد. عشای ربانی. لوقا ۱۹:۲۲ و ۲۰ از جمله مواردی هستند که در آنها عشای ربانی برگزار می‌شود، و متی ۲۶، مرقس ۱۴، لوقا ۱:۲۲ و قرنتیان ۱۱ از جمله چهار موردی هستند که در آنها نهاد عشای ربانی را داریم.

انجیل یوحنا آن را ندارد. عشای ربانی توجه را به فداکاری عیسی به جای ما جلب می‌کند. این رسم گذشته‌نگر است.

به صلیب نگاه می‌کند. آینده‌نگر است. به بازگشت مسیح چشم دوخته و مرگ او را تا زمان آمدنش اعلام می‌کند.

در جهان آینده، نیازی به غسل تعمید یا شام خداوند نخواهد بود، اگرچه ما در شام عروسی بره شرکت خواهیم کرد. مکاشفه ۹:۱۹. آگوستین تعلیم داد که در شام خداوند، مسیح قیام کرده به تمام حواس ما موعظه می‌کند. این کلمه‌ای است که به اصطلاح قابل مشاهده شده است.

کالوین در این مورد از آگوستین پیروی کرد. در عشای ربانی، ما انجیل را همانطور که عناصر را در دست داریم لمس می‌کنیم. اگر دسته گل را بو می‌کنید یا یک فنجان جداگانه دارید، خوب است که این کار را به این روش انجام دهید: از انجیل در شراب یا گریپ فروت تاک.

ما در نان و شراب شام خداوند، طعم انجیل را می‌چشیم. خدا، رئیس کلیسا، خداوند عیسی، این شام را با لطف و کرم برقرار می‌کند؛ او انجیل را به صورت تشریفاتی درمی‌آورد و آن را با تمام حواس ما تطبیق می‌دهد. البته، گوش‌های ما انجیل را همانطور که کلمات این مراسم خوانده می‌شوند، می‌شنوند و اگر در کتاب مقدس جستجو کنیم، چشمان ما آن را می‌بینند و البته عناصری را می‌بینیم که نمایانگر بدن و خون مسیح هستند.

بنابراین، همانطور که آگوستین و کالوین آموختند، شام خداوند یک کلمه قابل مشاهده است. در واقع یک کلمه حسی است که برای همه حواس ما جذاب است. چقدر خوب است که خداوند فقط برای گوش‌های ما جذاب نیست.

لوتر در مخالفت با زیارت‌های کاتولیک رومی و غیره، اندام مناسب یک مرد مسیحی را پاهای او، گویی که برای نجات به زیارت می‌رود، نامید، نه دستانش را، گویی چیزهایی برای ارائه به خدا دارد تا او را بپذیرد. نه، اندام مناسب یک مرد مسیحی، لوتر می‌گوید، اندام‌های مناسب گوش‌های او هستند. او انفعال ایمان را آموزش می‌دهد.

نجات یک تجربه شنیداری است. رومیان ۱۷:۱۰، ایمان با شنیدن و شنیدن کلام درباره مسیح حاصل می‌شود. او نکته خود را بیان می‌کند.

شام خداوند تمام حواس ما را به خود جلب می‌کند. و غسل تعمید مسیحی نیز حواس بیشتری را به خود جلب می‌کند، زیرا آب بر روی شخص اعمال می‌شود. اصلاح‌طلبان اصرار داشتند که توضیحی کتاب مقدسی از شام خداوند مورد نیاز است.

اگر کلمه‌ای از نهاد وجود نداشته باشد، شامی هم در کار نیست. پولس تأکید کرد که شام خداوند نشانگر اتحاد ما با مسیح است. اول قرنتیان ۱۰، بگذارید دوباره آن را خراب نکنم، اما درست بخوانید.

آیا جام برکتی که ما متبرک می‌کنیم، مشارکت در خون مسیح نیست؟ اینها جملات منفی با یک ذره منفی هستند که نشان دهنده پاسخ مثبت است. همینطور است، اینطور نیست؟ نانی که پاره می‌کنیم، مشارکت در بدن مسیح است، اینطور نیست؟ شام از اتحاد با مسیح صحبت می‌کند. این اتحاد با مسیح ایجاد نمی‌کند؛ بلکه اتحاد با مسیح را تقویت می‌کند.

این به ایمان اولیه ما، یعنی ایمان به عیسی، اشاره دارد که به وسیله آن ما از طریق فیض و از طریق اتحاد ایمان به او پیوسته‌ایم. این اتحاد عمودی است. آیه بعدی از اتحاد افقی و اینکه چگونه قرنیتان به دلیل سوءاستفاده‌هایشان در شام به آن نیاز داشتند، صحبت می‌کند، که پولس سعی می‌کند آن را در فصل بعدی، اول قرنیتان ۱۱، اصلاح کند.

ظاهراً چون یک نان وجود دارد، قرنیتان از یک قرص نان معمولی استفاده می‌کردند. این مجاز است، اما به ما دستور داده نشده که همین کار را انجام دهیم. فکر می‌کنم در یک کلیسای بزرگ به چندین قرص نان معمولی نیاز دارید، اما به شما می‌رسد، یک تکه را جدا می‌کنید و آن را به دیگران می‌دهید.

این کاری است که آنها انجام دادند. از آنجا که یک نان وجود دارد، ما که بسیاریم، یک بدن هستیم، زیرا همه ما از یک نان سهم می‌بریم. اتحاد با مسیح عمیق‌ترین سخن را می‌گوید. شام خداوند عمیق‌ترین سخن را در مورد اتحاد با مسیح می‌گوید.

این مفهوم معانی دیگری نیز دارد، اما این عمیق‌ترین معنای آن است. ثانیاً، ما باید با یکدیگر متحد شویم، زیرا به طور جمعی در عناصر طبیعت شرکت می‌کنیم. این یک آیین مشترک است که نباید به صورت خصوصی مثلاً در خانه‌هایمان، انجام شود.

شام ایمان و عشق ما را فرا می‌خواند. اول قرنیتان ۱۷:۱۱-۳۴، خداوند برخی از مؤمنان قرنیتان را با ضعف بیماری و حتی مرگ ملاقات کرد. از تعبیر خواب استفاده شده است.

او آنها را محکوم نمی‌کند. پولس می‌گوید با این کار، خدا ما را پدران تنبیه می‌کند، کلمه‌ای که او به کار می‌برد، تا توسط دنیا محکوم نشویم. ایمانداران قرنتی که به خاطر نقض وحدت کلیسا در شام خداوند، آوردن وعده‌های غذایی بزرگ خود در حالی که فرد کناری آنها، فرد فقیر، چیزی ندارد، و جلو رفتن و غذا خوردن و منتظر شخص دیگر نماندن، توسط خداوند کشته می‌شوند.

خدا آنها را محکوم نکرد، اما حداقل در چند مورد، جان دیگران را گرفت تا دیگران را آگاه کند. این وعده غذایی با نام‌های مختلفی به ما رسیده است. این یک مراسم عشای ربانی یا شکرگزاری است.

اسم عشای ربانی استفاده نشده است. عیسی شکرگزاری کرد مکرراً استفاده شده است. اول قرنیتان ۱۱:۲۴ «پس از شکرگزاری، نان را پاره کرد و گفت:» این بدن من است

این یک ارتباط، تقویت اتحاد با مسیح است، همانطور که در اول قرنیتان ۱۰، ۱۶ دیدیم. آیا نانی که پاره می‌کنیم، مشارکت در بدن نیست؟ جامی که می‌نوشیم، مشارکت در خون مسیح نیست. انتظار می‌رود پاسخ‌های مثبت داده شود. این سفره خداوند است، یک کنایه، اول قرنیتان ۱۰، ۲۱، برای شام خداوند که بر سر سفره سرو می‌شود.

مجاز، گونه‌ای از هنر بیان است که در آن دو چیز به هم مرتبط می‌شوند، به طوری که یکی جایگزین دیگری می‌شود. اگر در اخبار شنیده باشید که امروز پیامی از کاخ سفید آمده است، منظور شما یک ساختمان نیست، بلکه منظور دفتر ریاست جمهوری ایالات متحده است.

این یه کنایه است. یا، ببخشید آگه تو شهرهای دیگه هستید، اما کاردینالز امروز یه معامله برای چند تا چوب بیسبال بزرگ و دو تا بازوی قوی انجام داد، که یعنی ضربه زن‌ها و پرتاب کننده‌ها. نه فقط به معنای واقعی کلمه، بازو و چوب بیسبال.

این شام خداوند است، وعده غذایی که توسط مسیح برای تکریم او بنیان نهاده شده است. تبدیل شام فصیح به نشانه و مهر پیمان لطف، نشانه و مهر مداوم پیمان لطف در عهد جدید. شام خداوند

، دیدگاه‌های مربوط به عشاء ربانی. چهار دیدگاه در مورد عشاء ربانی غالب هستند. کاتولیک رومی، لوتری، زوینگی، اصلاح‌شده و زوینگی.

دیدگاه کاتولیک رومی در مورد شام آخر، تبدیل جوهری نامیده می‌شود. بر اساس الهیات کاتولیک رومی، وقتی کاهنان به مقام کشیشی منصوب می‌شوند، این اختیار را دارند که مسیح را در مراسم عشاء ربانی قربانی کنند. این کاری است که یک کشیش انجام می‌دهد.

مجری اصلی مراسم، که در کلیسای کاتولیک رومی یک کشیش است، واعظ کلام نیست. این یک ایده اصلاحات است. کشیش اصلی در کلیسای کاتولیک رومی کشیشی است که ظاهراً مسیح را در مراسم عشاء ربانی قربانی می‌کند.

در کلیسای کاتولیک گفته نشده که بیاپید و موعظه انجیل را ساعت سه یا یازده بشنوید. گفته شده که وقت عشاء ربانی است. مراسم اصلی همین است.

کسی که این کار را انجام می‌دهد، کشیش است. او به طور خاص منصوب شده و قدرت تقدیس به او داده شده است تا مسیح را در مراسم عشاء ربانی تقدیم کند. کلیسای کاتولیک رومی تعلیم می‌دهد که وقتی کشیش عناصر را تقدیس می‌کند، آنها به طور معجزه‌آسایی به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شوند.

ظاهر بیرونی آنها تغییر نمی‌کند. این الهیات توماس آکویناس است که از مقولات ارسطویی جوهر یا جوهر و اعراض استفاده می‌کند. اعراض، ویژگی‌های بیرونی هستند.

برخی از اتفاقات در این منبر، شکل، رنگ و اندازه دقیق آن است. اگر کوچکتر بود، اگر برفش بود، یا اگر به شکل دیگری طراحی می‌شد، هنوز هم می‌توانست یک منبر باشد. مثلاً منبرهای شیشه‌ای زیبا یا پلاستیکی دیده‌ام.

لانه‌های کلاغ آراسته‌ای در آسمان وجود دارند که برای رسیدن به آنها باید از پله‌ها بالا بروید. آنها هنوز منبر هستند و به این دلیل قابل شناسایی هستند که جوهر یا جوهره آنها منبر بودن است. طبق گفته‌های رومی اعراض، ظاهر بیرونی نان و شراب، نان و شراب باقی می‌مانند و جوهر آنها تغییر می‌کند.

این یک استحاله جوهری است که به طور معجزه‌آسا رخ می‌دهد. ظاهر بیرونی نان و شراب تغییر نمی‌کند بلکه به طرز معجزه‌آسایی جوهر نامرئی عناصر به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شود. کاهن در مراسم عشاء ربانی، قربانی غیرخونین مسیح را به خدا تقدیم می‌کند.

لوتر، با توجه به شام خداوند، ایده‌های کاتولیک رومی در مورد قربانی و استحاله جوهر را رد می‌کند و در عوض، همذات‌پنداری را می‌پذیرد. این شام، قربانی کاهنان برای خدا نیست، بلکه فایده‌ای است که او به عبادت‌کنندگان می‌دهد. لوتر گفت، این یک قربانی از آن طرف نیست، بلکه یک خیر از این طرف است.

اوه، او دیوانه بود. اوه، حرف من درست است. طبق الهیات لوتری، در عشای ربانی، عناصر تغییر نمی‌کنند.

حضور دارد consubstantiation، در عوض، مسیح به صورت فیزیکی با یک کلمه لاتین، حرف اضافه لاتین Consubstantiation. جوهر، ذات، با.

حضور او، او به صورت فیزیکی در، با، و تحت عناصر نان و شراب حضور دارد. بله. بیچیده می‌شود، اما یک مسیح‌شناسی خاص زیربنای این است.

لوتری‌ها معتقدند که در رستاخیز او، ویژگی الهی حضور در همه جا به طور ماوراءالطبیعه از الوهیت مسیح به بشریت او منتقل شد. این یک انگیزه عشای ربانی است. این امر بدن او را قادر می‌سازد تا در همه جا، از جمله در عناصر عشای ربانی، حضور داشته باشد.

پسر، با احترام، من مخالفم. هیچ چیزی نه تبدیل جوهری و نه تبدیل جوهری وجود ندارد. بدن مسیح در دست راست پدر در آسمان است.

روح القدس فواید کار مسیح را دریافت می‌کند و آنها را به ایمانداران شرکت‌کننده در مراسم عشای ربانی می‌رساند، همانطور که در موعظه کلام خدا نیز چنین می‌کند. رازهای مقدس، کلمات قابل مشاهده هستند. رابط بین مسیح جلال‌یافته و ایمانداران شرکت‌کننده، روح القدس است.

دیدگاه اصلاح‌شده در مورد عشای ربانی با دیدگاه‌های کاتولیک رومی و لوتری متفاوت است. گاهی اوقات آن را آموزه حضور واقعی مسیح می‌نامند. این دیدگاه هم تبدیل جوهری و هم تجانس جوهری را رد می‌کند.

عناصر تغییر نمی‌کنند و بدن مسیح در آسمان است. هیچ‌گونه انتقال صفات الهی به طبیعت انسانی او وجود ندارد، و مطمئناً عکس این موضوع نیز ممکن نیست. خوشبختانه، لوترانیسم چنین چیزی را آموزش نمی‌دهد.

چرا این فقط یک طرفه است، این انتقال صفات؟ در عوض، دیدگاه اصلاح‌شده معتقد است که مسیح در شام حضور دارد، زمانی که روح‌القدس مزایای مسیح قیام کرده را از جایگاه خود در دست راست پدر به شرکت‌کنندگان مؤمن در عشای ربانی می‌آورد. دیدگاه زوینگی در مورد شام با سه دیدگاه دیگر متفاوت است. اگرچه جای بحث است که آیا این واقعاً دیدگاه اولریش زوینگی بوده است یا خیر، اما همچنان به نام او گره خورده است.

این دیدگاه، دیدگاه یادبود نامیده می‌شود زیرا بر یادآوری مرگ مسیح توسط کلیسا تأکید دارد. این شام یادبودی است که مرگ مسیح و تأثیر آن در از بین بردن گناهان ما را به یاد می‌آورد. برخلاف سایر دیدگاه‌هایی که این دیدگاه را دارند، مسیح به شکلی متمایز یا ماوراءالطبیعه در شام حضور ندارد.

از دیدگاه‌های مربوط به شام آخر به الهیات شام آخر می‌رسیم. دوباره همان چهار دیدگاه را بررسی خواهیم کرد. در واقع، این درست نیست.

در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، اما نکات دیگری را نیز مطرح خواهیم کرد. نکات الهیاتی را مطرح خواهیم کرد. الهیات شام خداوند

اولاً، شام خداوند از فرامین عیسی پیروی می‌کند. این یک آیین است. کلیسا به همان دلیلی که غسل تعمید مسیحی را انجام می‌دهد، شام خداوند را نیز برگزار می‌کند.

عیسی به شاگردانش دستور داد که این کار را انجام دهند. متی نماینده انجیل است. همانطور که آنها غذا می‌خوردند، عیسی نان را برداشت، آن را برکت داد و گفت: «بگیرید، بخورید»

بگیر و بخور. این بدن من است. این یک دستور است

بعد از شام، جام را به او دادم. همه شما از آن بنوشید. خوردن و آشامیدن دستور است، نه اختیار، نه انتخاب ما، نه نظر رسول، نه نظر عیسی.

دوم، خداوند مرگ خود را به یاد می‌آورد. این یک یادبود است. در شبی که به او خیانت شد، ما این را اغلب هنگام برگزاری شام خداوند می‌شنویم.

نمی‌دانم چرا فقط از اول قرن‌های ۱۱ می‌خوانیم. دوست دارم از هر چهار کلمه نهاد بخوانیم و آنها را به نوبت بخوانیم، اما اشکالی ندارد. در شبی که به او خیانت شد، عیسی نان گرفت.

وقتی از او تشکر شد، آن را پاره کرد و گفت: «این بدن من است که برای شما آماده شده است. این را به یاد من انجام دهید.» در مورد جام، گفت: «این جام، عهد جدید در خون من است»

هر چند بار که آن را می‌نوشید، به یاد من بنوشید. این یک یادبود است. این یک درس تاریخ است که ما به یاد می‌آوریم، اگرچه حتی آن هم از نظر کتاب مقدس قوی‌تر از کلماتی است که برای شما می‌خوانم.

به یاد آوردن صرفاً فکر کردن در ذهن و تمرین کردن نیست. بلکه پرستش خداوند زنده‌ای است که در شام مقدس با قوم خود حضور دارد. سوم، شام خداوند، فداکاری عیسی را روشن می‌کند.

این عهدی است. مرگ عیسی، همانطور که هم عیسی و هم پولس می‌گویند، قربانی عهد جدید است. این برای کلیسا است، توسط کلیسا رعایت می‌شود، توسط مؤمنان پذیرفته می‌شود.

عیسی کلیسای خود را دوست دارد و خود را فدای آن می‌کند. او در شام خداوند به ما یادآوری می‌کند که هر بار که در این شام شرکت می‌کنیم، این پیام را اعلام می‌کنیم که عیسی ما را به عنوان قوم خود نجات می‌دهد، حفظ می‌کند و به ما انگیزه می‌دهد. چهارم، شام خداوند کلیسای عیسی را متحد می‌کند.

این یک امر جمعی است. این کار نجات‌بخش مسیح را جشن می‌گیرد و زیربنای اتحاد ما با مسیح است، بر اتحاد ما با مسیح و اتحاد با یکدیگر به عنوان جامعه عیسی تأکید می‌کند. همه ما از یک نان می‌خوریم.

بنابراین، ما که بسیاریم، همه یک بدن هستیم. اول قرن‌های ۱۷:۱۰. این به ما امر می‌کند که یکدیگر را دوست داشته باشیم، به یکدیگر احترام بگذاریم و یکدیگر را در نظر بگیریم، برخلاف کاری که قرن‌های در آنجا انجام می‌دادند، من باید این را قبلاً در ضیافت عشق آنها می‌گفتم.

باز هم، این یک گزینه است اما در عهد جدید دستور داده نشده است. ضیافت محبت، شام کلیسایی بود که در آن مردم شام خداوند را عبادت می‌کردند. مردم با هم یک شام کلیسایی، یک آگاپه، که ضیافت محبت نامیده می‌شد، داشتند و از معاشرت مسیحی لذت می‌بردند.

قرن‌تین، بیش از آنکه ظاهراً، واقعاً به نظر برسد، شام خداوند را در یک ضیافت عشق، در یک آگاپه، جشن می‌گرفتند، اما آنها با بی‌ادبی خود در نادیده گرفتن فقرا و به اشتراک نگذاشتن غذا با فقرا، حتی معنای آگاپه را نیز انکار می‌کردند. به اشتراک نگذاشتن غذا و با هم غذا نخوردن. پنجم، شام خداوند انجیل عیسی را پخش می‌کند.

این یک ماموریت مذهبی است. هر بار که این نان را می‌خورید و از این جام می‌نوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید. اول قرن‌تین ۱۱:۲۶)

شام خداوند یک موعظه است. انجیل را اعلام می‌کند. ششم، شام خداوند، تقدیر از روزی عیسی است.

این یک مشارکت است. ما در خداوند عیسی مشارکت می‌کنیم. ما چیزی جز گناه خود را به سفره نمی‌آوریم.

ما می‌آییم و دریافت می‌کنیم. در کار نجات بخش مسیح دریافت می‌کنیم. فیض سخاوتمندانه خدا را دریافت می‌کنیم، خدایی که گناهکارانی را که به عیسی ایمان می‌آورند می‌پذیرد.

شام خداوند یک قربانی نیست. بلکه وسیله‌ای برای فیض است، همراه با موعظه کلام، غسل تعمید مسیحی و دعا. این بدان معناست که خداوند مقدر کرده است که از طریق آن به قوم خود فیض می‌بخشد.

هیچ یک از این موارد به طور خودکار فیض نمی‌آورند، اما وسیله‌ای هستند که خدا برای نجات و تقویت قوم خود از آنها استفاده می‌کند. عیسی قربانی خود را از قبل تکمیل کرده است. شام خداوند گواهی بر تدارک خدا برای قومش است.

فیض پشت فیض. و در شام، ما شرکت می‌کنیم. ما فیض خدا را دریافت می‌کنیم.

هفتم، شام خداوند بازگشت عیسی را پیش‌بینی می‌کند. این مراسم، فرجام‌شناسانه است. به آینده نگاه می‌کند.

زیرا همانطور که عیسی در بدو تأسیس وعده داد، از این پس از میوه مو نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدرم تازه بنوشم. متی ۲۶:۲۹. پولس شام را با ظهور دوم مسیح مرتبط می‌کند.

خوردن نان و نوشیدن جام، مرگ خداوند را تا زمان آمدنش اعلام می‌کند. اول قرن‌تین ۱۱:۲۶. در نهایت، نه کاملاً در نهایت.

در مرحله بعد، شام خداوند، بازگشت خداوند را پیش‌بینی می‌کند. در نهایت، به نظر می‌رسد که ما به بررسی حکومت کلیسا می‌پردازیم. همچنین می‌خواهیم به خدمات کلیسا پردازیم.

مسیحیان در مورد حکومت کلیسا تفاوت‌های چشمگیری دارند، اما به چندین ویژگی مشترک اعتقاد دارند. قبل از بررسی مشترکات، انواع مختلف حکومت کلیسا را خلاصه خواهیم کرد. کلیسای کاتولیک رومی یک سلسله مراتب جهانی تحت نظر پاپ، اسقف رم، مستقر در شهر واتیکان است.

کاتولیک‌ها مرجع نهایی کلیسا را پطرس می‌دانند که او را اولین پاپ یا نماینده مسیح بر روی زمین می‌دانند. مرجعیت از طریق جانشینی رسولان از کلیسای روم منتقل می‌شود. آموزه‌های کاتولیک رومی شامل کشیش‌گرایی است که معتقد است قدرت بخشش گناهان از طریق دست‌گذاری از پاپ به اسقف‌ها منتقل می‌شود.

اسقف‌ها همچنین از اقتدار و حکومت بسیار بیشتری بر کشیشان و شماسانی که به آنها کمک می‌کنند برخوردارند. قدرت کلیسای کاتولیک رومی ریشه در کشیشان آن دارد که در کلیساهای محلی خدمت می‌کنند. همه اینها بر اساس منابع و الهیات کاتولیک رومی است.

کلیساهایی که حکومت اسقفی دارند توسط اسقف‌ها اداره می‌شوند، که کلیسا اقتدار خود را در آنها مستقر می‌کند. می‌توان گفت که رم اسقفی است، اما همچنین پاپ نیز هست، بنابراین ما از این طریق تمایز قائل می‌شویم. اسقف‌ها در کلیسای انگلیکان اسقفی ممکن است تابع اسقف‌های عالی رتبه‌تری باشند که اسقف اعظم، کلانشهر یا پاتریارک نامیده می‌شوند.

آنها همچنین در شوراهای کلیسای تشکیل جلسه می‌دهند. حکومت کلیسای اسقفی یک زنجیره فرماندهی ساده نیست و برخی از اختیارات در شوراهای کلیسای غیر روحانی قرار دارد. اما به طور خلاصه، کلیسای کاتولیک رومی توسط اسقف‌ها اداره می‌شود.

حکومت کلیسای پرسبیتی، نمایندگی است و اقتدار را در سلسله مراتبی از شوراهای قرار می‌دهد. پایین‌ترین سطح که جلسه یا شورای کلیسا نامیده می‌شود، از بزرگانی تشکیل شده است که یک کلیسای محلی را اداره می‌کنند. کشیش کلیسا یا بزرگان آموزشی، عضو جلسه هستند و ریاست آن را بر عهده دارند.

جماعت، نمایندگان غیر روحانی و بزرگان حاکم را انتخاب می‌کند. این جلسه، بزرگان را به سطح بعدی شورا می‌فرستد که توسط پرسبیتی‌ها، یا توسط اصلاح‌طلبان، کلاسوس نامیده می‌شود. بالاترین شورا، مجمع عمومی یا سینود، به ترتیب پرسبیتی و اصلاح‌طلب است که هر پرسبیتی نمایندگانی را به آن می‌فرستد.

اداره کلیسای جماعتی، اقتدار را در جماعت مستقر می‌کند. جماعت محلی خود را اداره می‌کند و رهبران خود را انتخاب می‌کند. این کلیساهای ممکن است توسط کشیش، کارکنان، مشایخ یا غیره هدایت شوند، اما در هر صورت، جماعت اقتدار نهایی را حفظ می‌کند.

کلیساهای محلی ممکن است کاملاً مستقل باشند یا به یک فرقه تعلق داشته باشند. در حالت دوم، نه جماعت‌ها و نه انجمن‌ها هیچ کنترلی بر یکدیگر ندارند، جز اینکه می‌توانند عضویت در انجمن را لغو کنند. انجمن‌ها یا کنوانسیون‌ها، شبکه‌های ارتباطی و مالی کلیساهای همفکر هستند که معمولاً برای ارتقای سلامت کلیسا، مأموریت‌ها و آموزش الهیات وجود دارند.

کلیساهایی که به طور سنتی اداره کلیسای جماعتی را اجرا می‌کنند شامل باپتیست‌ها، جماعت‌گرایان و بسیاری از اشکال مسیحیت غیر فرقه‌ای هستند. گفتیم که اشکال اداره کلیسا متمایز هستند و این درست است. همچنین گفتیم که آنها موارد مشترکی دارند.

می‌خواهم فقط به طور خلاصه آنها را خلاصه کنم. آنها ویژگی‌های مشترکی دارند. یعنی ما بر تفاوت‌ها تأکید کرده‌ایم.

ما همچنین می‌خواهیم آموزه‌های اصلی کلیسا را به اشتراک بگذاریم. این خوب جواب می‌دهد. بنابراین کاتولیک رومی، اسقفی، پرسبیتی و جماعتی اشکال حکومتی هستند که با هم متفاوتند، اما اشتراکاتی هم دارند.

اول و مهمتر از همه، مسیح رئیس کلیسا است. متی ۱۶، ۱۸ و ۱۹، افسسیان ۵: ۲۵-۲۸. به این ترتیب، او بر کلیسا به طور کلی و بر جماعات محلی اقتدار نهایی دارد.

من اینجا ساده‌لوح نیستم. البته، این موضوع در چهار شکل حکومت کلیسا که گفتیم، به طرق مختلف درک می‌شود. با این حال، خوب است که به برخی از اشتراکات اشاره کنیم.

دوم، کتاب مقدس همچنان بر کلیسا اقتدار دارد. این قطعاً یک ارزیابی انجیلی است. به غلاطیان ۱، ۸-۹. مراجعه کنید.

سوم، این خلاصه‌ای از آموزه‌های اصلی انجیل است. من تا حد امکان مهربان هستم. سوم، مسیح اقتدار خود را از طریق رهبری کلیسا ابراز می‌کند.

متی ۱۵: ۱۸-۲۰، اعمال رسولان ۳: ۶. چهارم، کلیسا دو مقام دارد. مقام اول کشیش، شیخ و اسقف است.

اصطلاح کشیش به معنای مراقبت و پرورش با کلمه است. اول پطرس ۵: ۱-۴. ارشد به معنای بلوغ و حکمت است.

تیتوس ۵: ۱-۹. اسقف یا سرپرست به توانایی‌های رهبری و اداری اشاره دارد. اول تیموتائوس ۱: ۳-۷.

یک کشیش واجد شرایط، مسیحی‌ای با شخصیت سالم است که خانواده‌اش را به خوبی رهبری می‌کند، در جامعه شهرت خوبی دارد و قادر به تعلیم کلیسا است. اول تیموتائوس ۳: ۱-۷. تیتوس ۱: ۵-۹)

همچنین با خرد، عشق به دیگران، فروتنی و خویشنداری مشخص می‌شود. یعقوب ۳: ۱-۱۸. کشیشان، مشایخ هستند، کشیشان، مشایخ کوچک هستند و کلیسا را شبان می‌کنند.

اول پطرس ۲: ۵. کلیسا را رهبری کنید. اول تیموتائوس ۳: ۵. کلام را تعلیم دهید. اول تیموتائوس ۲: ۳. با خطا مخالفت کنید. تیتوس ۱: ۹. برای اعضای کلیسا دعا کنید. یعقوب ۱۳: ۵-۱۵.

و سرمشقی برای دیگران قرار دهید تا از آن پیروی کنند. اول پطرس ۳: ۵. دومین مقام، مقام شماسی است. فیلیپیان ۱: ۱.

مسئولیت‌های اصلی شماس مربوط به خدمت به کلیسا است. شرایط لازم برای شماس‌ها، اول تیموتائوس ۳. مشابه شرایط لازم برای کشیشان است، بدون اینکه نیازی به توانایی تدریس داشته باشند. پنجم، خود، ۱۳-۸. جماعت‌های دارای استعداد معنوی، محور انجام وظایف کلیسا هستند.

کشیشان و دیگر رهبران تعلیم می‌دهند و رهبری می‌کنند، اما همه اعضای جماعت مسئولیت‌هایی دارند و خادم نیز هستند. آنها خدمتگزار هستند. افسسیان ۱۲: ۴-۱۶.

آنها به طور فعال از استعدادهای متنوع خود برای خدمت به خداوند، کلیسا و دیگران استفاده می‌کنند. همه ما استعدادهای معنوی داریم. ما باید از آنها برای تقویت بدن مسیح استفاده کنیم.

ما دریافت می‌کنیم، و می‌دهیم و دریافت می‌کنیم؛ دیگران می‌دهند و دریافت می‌کنند. در تمام این‌ها و از طریق همه اینها، هدف این است که خدا جلال یابد، زیرا او بخشنده‌ی عطایا، توانمندکننده‌ی عطایا و ستوده‌شونده

از طریق سلامت فزاینده‌ی کلیسا است. در نهایت، تصمیمات در زندگی کلیسا باید منعکس‌کننده‌ی مأموریت کلیسا، وحدت، تقدس، حقیقت و عشق آن باشد، و باید منعکس‌کننده‌ی ماهیت کلیسا، وحدت، تقدس، حقیقت و عشق آن و مأموریت آن باشد، که اکنون به آن می‌پردازیم تا مطالعه‌ی خود را در مورد آموزه‌ی کلیسا به پایان برسانیم.

خدمت یا مأموریت کلیسا شامل عبادت، بشارت، تهذیب و خدمات روحانی است. خدمت کلیسا شامل پرستش است. اول پطرس ۲، ۹-۱۱، ما که قومی نیستیم، اکنون قوم خدا نامیده شده‌ایم تا فضایل او را که ما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده است، اعلام کنیم.

در رومیان ۱۵، پولس خود را از نظر کاهنان، به عنوان قربانی به خدا، غیریهودیان، می‌بیند؛ این یک استعاره واقعاً زیبا به عنوان قربانی اوست. واقعاً زیباست. ۱۵:۵، این اشتباه است، ۱۵:۱۵ رومیان

خداوند به من فیض بخشید تا در خدمت کهنات انجیل خدا، خادم مسیح عیسی برای غیریهودیان باشم تا قربانی غیریهودیان توسط روح القدس پذیرفته و تقدیس شود. چطور قرار است این اتفاق بیفتد؟ او یک مبشر است و هدفش پرستش خداست. به نظر من هدف والای تمام خدمات کلیسا در واقع پرستش خداست.

آیا ما سعی نداریم به گناهکاران دسترسی پیدا کنیم؟ بله، ما این کار را می‌کنیم. و آیا نجات آنها برای ما مهم نیست؟ بله، ما اهمیت می‌دهیم. اما جان پایپر درست می‌گوید.

ما این کار را می‌کنیم تا تعداد بیشتری از عبادت‌کنندگان خدا وجود داشته باشند. این هدف نهایی است. خدمت کلیسا شامل پرستش می‌شود.

این شامل دعا و رعایت احکام یا آیین‌های کلیسا می‌شود. ثانیاً، خدمت کلیسا شامل بشارت دادن نیز می‌شود. ما آن را در یوحنا ۲۰ می‌بینیم، زمانی که پطرس با عیسی ملاقات خصوصی می‌کند و جلوتر از دیگران از قایق بیرون می‌دود تا با عیسی صحبت کند.

عیسی پطرس را که سه بار انکار شده بود، به زندگی بازمی‌گرداند. عیسی سه بار او را وادار می‌کند که اعتراف کند عیسی را دوست دارد. این توبه‌ای سخت اما خوب و ضروری است.

و پطرس واقعاً توبه می‌کند. و عیسی به او مأموریتی می‌دهد. گوسفندان مرا خوراک بده، از بره‌هایم مراقبت کن.

او چطور می‌خواهد این کار را انجام دهد؟ از طریق ابلاغ کلام خدا، رساندن پیام به افراد نجات نیافته. و از طریق این خدمت، شاگردی نیز صورت می‌گیرد. من واقعاً آنجا بودم؛ من واقعاً در یوحنا ۲۱ آنجا بودم، و این درست است.

با این حال، در یوحنا ۲۰، در اواخر، عیسی به صراحت ۱۱ نفر را می‌فرستد، یهودا رفته بود تا به او خیانت کند، عیسی به ارباب خود خیانت کرده بود. خداوند قیام کرده می‌گوید، همانطور که پدر مرا فرستاده است، من نیز شما را می‌فرستم (یوحنا ۲۰:۲۱). وقتی این را گفت، بر آنها دمید.

این یادآوری الوهیت با دمیدن در آدم است که باعث زنده شدن او می‌شود. در اینجا، عیسی بر آنها دمید و گفت، روح القدس را دریافت کنید. اگر گناهان کسی را بخشید، او بخشیده می‌شود.

اگر بخشش را دریغ کنید، بخشیده می‌شود. البته، این باید در ارتباط با فرستادن آنها توسط او و فراهم کردن روحی باشد که آنها باید به آن دست یابند، روحی که از طریق آن باید انجیل را با افراد نجات نیافته به اشتراک بگذارند. و این همچنین در آیتی که در رومیان ۱۵ می‌خوانیم منعکس شده است.

رسالت پولس موعظه انجیل به غیریهودیان است تا او بتواند آنها را به عنوان هدیه‌ای به خدا تقدیم کند. خدمت کلیسا شامل بشارت دادن است. این شامل تمام اشکال تبلیغ و ترویج است که باعث تکریم خدا می‌شود.

همانطور که قبلاً دیدیم، بشارت دادن در مأموریت بزرگ متی ۲۸، ۱۹ تا ۲۰ نیز تلویحاً ذکر شده است. تمام اشکال تبلیغ که باعث تکریم خدا می‌شود، در این خدمت گنجانده شده است. همه اینها خدمت به خداست.

پرستش، بشارت، تهذیب نفس. من شیوه‌ی بیان پولس و پطرس را دوست دارم. خدا بخشنده‌ی هدایای معنوی است.

آنها هدایای او هستند. او آنها را به ما می‌دهد و این حس وجود دارد که آنها هدایای ما می‌شوند. ما این را انکار نمی‌کنیم، اما آنها مال ما نیستند که برای خودمان نگه داریم.

آنها از آن ما نیستند که به وسیله آنها سعی کنیم خودمان را ستایش کنیم، بلکه، اول قرن‌تینان ۱۲:۷، به هر کس تجلی روح برای خیر عمومی داده شده است. خداوند به ما عطایا داده است تا بتوانیم با خدمت به دیگران و ترویج خیر عمومی کلیسا، او را جلال دهیم. در مورد ۱۴:۱۲ چطور؟ پس، با خودتان، از آنجایی که مشتاق تجلیات روح هستید، تلاش کنید تا در ساختن کلیسا پیشرفت کنید.

این کاری است که ما باید انجام دهیم، ما باید دیگران را تربیت کنیم، ما باید دیگران را بسازیم. ممکن است به رسمیت شناخته شویم، اما هدف ما نیست و فرقی نمی‌کند که این اتفاق بیفتد یا نیفتد. اول پطرس ۴، که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، به طرز شگفت‌انگیزی با سخنان پولس مطابقت دارد.

ارواح توسط روح القدس به طور مستقل برای خیر عمومی عطا می‌شوند. پطرس می‌گوید، اول پطرس ۴، ۱۰ و زیرا هر کس یک هدیه دریافت کرده است، پطرس با پولس موافق است، هر مؤمنی حداقل یک هدیه ۱۱، ۱ دارد. از آن برای خدمت به یکدیگر به عنوان مباشرین خوب فیض متنوع خدا استفاده کنید.

خیلی خیلی زیبا. فیض خدا در اینجا به عنوان منبع هدایای معنوی در نظر گرفته می‌شود و ما از خدا مواهبی دریافت می‌کنیم و این، فیض او متنوع است. چند رنگ است، چند رنگ است و انواع هدایا از او می‌آید، اما ما باید از هر آنچه داریم برای خدمت به یکدیگر استفاده کنیم.

اول پطرس ۴:۱۰. برای خیر عمومی. اول قرن‌تینان ۱۲:۷. برای تهذیب یکدیگر.

اول قرن‌تینان ۱۴:۱۲. برای خدمت به یکدیگر. اول پطرس ۴:۱۰.

فهمیدم، فهمیدم، فهمیدم. سپس پطرس دو مثال می‌زند. هر که سخن می‌گوید و سخنان خدا را بیان می‌کند، همان سخنان خدا را، هر که خدمت می‌کند و با قدرتی که خدا به او می‌دهد، خدمت می‌کند تا در همه چیز. خدا از طریق عیسی مسیح جلال یابد.

جلال و قدرت تا ابد از آن اوست. آمین. در این مورد، فقط می‌توانم بگویم آمین.

در آخر، باید بگویم که خدمت کلیسا شامل تهذیب نفس می‌شود. این شامل شاگردسازی و مشارکت می‌شود. در نهایت، خدمت کلیسا شامل عبادت، بشارت، تهذیب نفس، خدمات روحانی و اقدامات اجتماعی است.

غلاطیان ۲:۱۰. کاملاً قابل توجه است. پولس می‌رود و انجیل خود را برای، برای، برای، برای، افرادی که پیش از او رسول بودند، ستون‌ها، یعقوب و یوحنا، پطرس، یعقوب و یوحنا، بیان می‌کند و آنها او را می‌پذیرند.

آنها چیزی به انجیل او اضافه نمی‌کنند. او با کلاه در دست بالا نمی‌رود و میوه آنها را گدایی نمی‌کند. نه، او به عنوان یک فرد برابر بالا می‌رود، و آنها با هم سهیم می‌شوند، و یکدیگر را می‌پذیرند.

اما ۲:۱۰ قابل توجه است. مطمئناً هر چیزی که آنها در این زمینه بگویند بسیار مهم است. نکته من همین است.

و ۲:۹. و هنگامی که یعقوب و کیفا، نام آرامی پطرس و یوحنا، که به نظر می‌رسید ستون‌ها هستند ۲:۱۰، فیضی را که به من داده شده بود تا نزد غیریهودیان بروم، همانطور که به آنها داده شده بود، یعنی فیض خدا برای رفتن به سوی یهودیان، دیدند، دست راست رفاقت را به من و برنابا دادند تا ما نیز مانند آنها، به سوی ختنه شدگان، به سوی غیریهودیان برویم. به این توجه کنید؛ آنها فقط از ما خواستند که فقرا را به یاد داشته باشیم.

وای. این فوق‌العاده است. دقیقاً همون کاری که مشتاق انجام دادنش بودم.

منظورم این است که این چیز بی‌اهمیتی نیست. این چیزی نیست که، اه، اختیاری باشد. کلیسا دغدغه‌ای دارد و باید به عنوان یکی از خدماتش، خدمت اصلی، به آن توجه داشته باشد.

نه، من از ابتدا گفته‌ام که خدمت اصلی، پرستش خداست. خدمت به خدا شامل بشارت و بنا نیز می‌شود، اما بخشی از این خدمت، نیکی کردن به همه مردم است. غلاطیان ۶، به ویژه کسانی که از خانواده ایمان هستند.

غلاطیان ۶، ۱۰. از انجام کار نیک خسته نشویم. پس تا جایی که فرصت داریم، غلاطیان ۱۰:۶، به همه نیکی کنیم، به خصوص به کسانی که از اهل بیت ایمان هستند.

یعقوب می‌گوید این دینداری پاک و بی‌آلایش در نظر خدا و پدر ماست. اگر من و شما این متن را نمی‌دانستیم می‌گفتیم: «خدا را پرستش کردن، گمشدگان را نجات دادن، و جمعیت را موعظه کردن.» او می‌گوید: «خود را.» از آلودگی‌های دنیا دور نگه داشتن و به دیدار یتیمان و بیوه‌زنان رفتن.

شگفت‌انگیز است. یا اول یوحنا ۳: ۱۶ تا ۱۸ چطور؟ اگر برادرت را نیازمند ببینی و توانایی‌اش را داشته باشی و کاری برایش نکنی، چگونه عشق مسیح در تو ساکن می‌شود؟ اول یوحنا ۳: ۱۶ تا ۱۸.

خدمت کلیسا شامل خدمات روحانی نیز می‌شود. من باید اعمال رسولان ۶، ۱ تا ۷ را به عنوان پایه و اساس در نظر می‌گرفتم. و این شامل تمام خدمات رحمت و تکریم خداوند می‌شود.

بازگرداندگان/امید «نوشته ایمی شرم‌ن و «خدمات/اجتماعی» نوشته تیم کُر را تحسین می‌کنم» رحمت. ما زمان قابل توجهی، در واقع نیمی از این دوره، را صرف پرداختن به آموزه‌های کلیسا کرده‌ایم. در نیمه بعدی دوره، توجه خود را به آموزه‌های آخرالزمان معطوف خواهیم کرد.

و مشتاقانه منتظرم که آن را با شما به اشتراک بگذارم.

این دکتر رابرت ای پترسون و آموزه‌های او در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرین چیزها است. این جلسه دهم، احکام کلیسا، حکومت کلیسا، آموزه‌های اصلی در مورد کلیسا و خدمت کلیسا است.